

تیتراژ امروز

اعتراض ستاد حسن روحانی به رفتار اسحاق جهانگیری در دومین مناظره زنده تلویزیونی

بیانیه نخوان!

عباس عبدی عملکرد هاشمی طبارا بهتر از روحانی و جهانگیری دانست

صفحه ۲

آیا با انتخابات ریاست جمهوری ۷ مه شاکله سیاست‌ورزی در غرب فرومی‌پاشد؟

چپ و راست فرانسه منقلب می‌شود

صفحه ۱۵

چرا مهم‌ترین خبر در هفته معلم فعالیت اقتصادی وزیر آموزش و پرورش است؟

معلمان: از تبعیض رنج می‌بریم در بحرین

صفحه ۴

حکم دادگاه آیت‌الله شیخ عیسی امروز قرائت می‌شود

بسیج عمومی در بحرین

صفحه ۱۵

حسن روحانی تا چه اندازه به ادعاهای خود درباره فرهنگ پایبند بود

در حد زینت المجالس

صفحه ۱۳

نگارشات امروز

چرا اسحاق خاموش شد؟

روحانی کلیدواژه نداشت

محمد رضایتی

مناظره دوم نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری در حالی به پایان رسید که دست رسانه‌های حامی دولت از این مناظره خالی ماند! چرا که زوج جهانگیری-روحانی از تولید کلیدواژه ناتوان بودند. برخی تحلیلگران بر این باورند مناظره‌های سیاسی نه محلی برای ارزیابی دقیق افکار و محتوای ارائه شده از سوی نامزدهای انتخابات بلکه محلی برای بروز توانایی طریقت‌منظره در بهره‌جویی از فرصت‌های به‌دست آمده است. پیش از مناظره برخی نظرسنجی‌ها حکایت از دومرحله‌ای شدن انتخابات و همچنین برابری میزان اقبال (در سنسج دوگانه روحانی-قالیباف) ۲ نامزد انتخابات داشت. همین مساله روشن می‌کرد مناظره دوم اهمیت بسیاری برای نامزدهای انتخابات دارد؛ این مهم را سیدابراهیم رئیسی و محمدباقر قالیباف و حتی مصطفی میرسلیم بخوبی درک کرده و نسبت به مناظره اول به شکل مطلوب‌تری ظاهر شدند. در سوی مقابل حسن روحانی و همراه پوشش‌اش، اسحاق جهانگیری با جابه‌جایی نقش خود نتوانستند انطوری که باید ایفای نقش کنند. نگاه به محتوای تولیدشده رسانه‌های حامی روحانی نشان می‌دهد عملکرد روحانی و جهانگیری در مناظره دوم نتوانسته است مورد توجه این رسانه‌ها قرار بگیرد، این در حالی است فردای مناظره اول با وجود آنکه همه مناظره را برای روحانی دو سر باخت می‌دانستند، این رسانه‌ها با آب و تاب فراوان به تعریف و تمجید از جهانگیری پرداخته و وی را استاره و توفان مناظره اول خطاب کردند.

نکته دیگر مناظره دوم جایجایی نقش روحانی و جهانگیری بود. روزنامه قانون در تحلیل مناظره دوم به جابه‌جایی نقش روحانی و جهانگیری اشاره می‌کند و می‌نویسد: «روحانی نشان داد به بازی برگشته است. او دیگر قصد نداشت سکوت کند و تنها به حملات پاسخ دهد. جهانگیری نیز کمی آرام‌تر از دفعه قبل ظاهر شد.»

اما ماندن یا انصراف جهانگیری آنقدر برای اردوگاه اصلاح‌طلبان مساله است که رسانه‌های آنان همچنان تلاش می‌کنند از این موضوع رفع ابهام کنند که اسحاق در هماهنگی کامل با حسن روحانی است.

ادامه در صفحه ۵

اذعان رحمانی‌فضلی درباره ماجرای سخنرانی روحانی در مراسم روز جهانی کارگر

اعتراض کارگران خودجوش بود

واکنش ستاد قالیباف به اظهار نظر وزیر کشور درباره سامانه کارانه

صفحه ۲



عکس: مجید آزاد/جام جم

سرمایه‌بازی و تولیدسوزی

امیر استکی

سیاست انقباضی افراطی دولت یازدهم- که از سال ۹۳ به بعد به اذعان کارشناسان مالی توجیه اقتصادی ندارد- تله نقدینگی بزرگ و فزاینده و رکود را برای کشور گسترده است. تله‌ای که با هر استراتژی‌ای سراغ رفیع آن روند، تورم افزوده خواهد شد البته در این میان دولت بهره‌بردار سیاسی خود را به ای نحو کان انجام می‌دهد. اقتصاد ایران سال‌ها با نرخ تورم بالا مواجه بوده است و همواره خود اضافه می‌کنند. بر همین اساس است که نرخ رشد نقدینگی (و نرخ رشد سپرده‌های مدت‌دار بانکی) تقریباً نزدیک به نرخ بهره واقعی کشور است. بدین معنا که سود سپرده‌های مدت‌دار هم تبدیل به سپرده‌های مدت‌دار می‌شود. این شرایط که یک شرایط انقباضی ویژه است، شرایطی نیست که به شکل طبیعی مشوقی برای حرکت صاحبان سرمایه به سمت تولید باشد. کدام فعالیت اقتصادی است که سالانه نزدیک ۲۰ درصد سود خالص بدون دردمس و معاف از مالیات داشته باشد؟ در هیچ جای دنیا جز ایران چنین خبری نیست، تنها در ایران زمان جناب روحانی است که می‌شود چنین سودی را فقط با خوابیدن در خانه به دست آورد. این نرخ برای بسیاری از اقتصادهای جهان ۳ درصد می‌شود. این وضعیت اما یک دستاورد دارد و آن هم کاهش نرخ تورم است. ناگفته پیداست در این شرایط که نقدینگی به مدد نرخ بهره خالص بسیار بالا، در بانک‌ها محبوس شده است، کاهش تورم نه یک خبر خوب بلکه نشانه‌ای از انباشت ناخالص داخلی را مشاهده نمی‌کنند. وضعیت نرخ بهره در کشور هم به‌گونه‌ای است که در بسیاری از زمینه‌های اقتصادی سرمایه‌گذاری جدید به صرفه نیست، تا جایی که بسیاری از صاحبان

بیش از آنکه متأثر از رشد بهره‌وری باشد متأثر از تشکیل سرمایه ثابت ناخالص از راه کالاهای سرمایه‌ای مانند ماشین‌آلات و ساختمان است. با توجه به این پیش‌فرض، آنگاه منعی بودن این نرخ رشد حکایت از «کاهش سرمایه‌گذاری در اقتصاد کشور» می‌کند. در اصل توجه به این شاخص به فهمیدن این مساله کمک می‌کند که چرا برخلاف یازدهم را نشان می‌دهد. اما نکته اساسی که نباید از آن غافل شد- و دولتی‌ها تلاش دارند مغفول بماند- این است که به‌واسطه وضعیت ویژه کانال ارزی پس‌ابرجام، دسترسی به درآمد نفتی کشور برای دولت براهتی میسر نیست و رقم رشد یادشده با توجه به این واقعیت بشدت تعدیل می‌شود. در اصل در صورت محاسبه میزان درآمد در دسترس نفت و جایگزینی آن با کل میزان درآمد نفتی کشور در محاسبه تولید ناخالص داخلی، تعدیل قابل توجهی را در این نرخ رشد شاهد خواهیم بود. نرخ رشد تولید ناخالص ملی در سال ۹۵ بدون احتساب نفت ۰/۹ درصد اعلام شده است که با توجه به روند نرخ رشد این شاخص در ۴ سال اخیر، عددی منطقی به نظر می‌رسد.

۲- رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در سال ۹۲ برابر با منفی ۱۰/۹ درصد، در سال ۹۳ برابر با ۵/۹ درصد، در سال ۹۴ برابر با منفی ۱۰/۲ درصد و در ۹ ماه اول سال ۹۵ بدون منفی ۳/۷ درصد بوده است. اهمیت نرخ رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در این است که رشد اقتصادی در ایران

نگاه امروز

۱- محصول ناخالص داخلی کشور در سال ۹۲ رشد منفی ۱/۸ درصدی، در سال ۹۳ رشد ۱/۹ درصدی، در سال ۹۴ رشد ۰/۷ درصدی و در ۹ ماه اول سال ۹۵ رشد ۷/۲ درصدی را تجربه کرده است. این آمار است که ارائه می‌شود اما زوایای پنهان آن مطرح نمی‌شود که به‌عنوان مثال رشد این آمار با لحاظ فروش و صادرات نفت محاسبه شده است. علت جهش تقریباً ۶/۵ درصدی در سال ۹۵ هم افزایش فروش نفت در این سال است. این جهش خوبی وابستگی تولید ناخالص داخلی به نفت در دولت یازدهم را نشان می‌دهد. اما نکته اساسی که نباید از آن غافل شد- و دولتی‌ها تلاش دارند مغفول بماند- این است که به‌واسطه وضعیت ویژه کانال ارزی پس‌ابرجام، دسترسی به درآمد نفتی کشور برای دولت براهتی میسر نیست و رقم رشد یادشده با توجه به این واقعیت بشدت تعدیل می‌شود. در اصل در صورت محاسبه میزان درآمد در دسترس نفت و جایگزینی آن با کل میزان درآمد نفتی کشور در محاسبه تولید ناخالص داخلی، تعدیل قابل توجهی را در این نرخ رشد شاهد خواهیم بود. نرخ رشد تولید ناخالص ملی در سال ۹۵ بدون احتساب نفت ۰/۹ درصد اعلام شده است که با توجه به روند نرخ رشد این شاخص در ۴ سال اخیر، عددی منطقی به نظر می‌رسد.

۲- رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در سال ۹۲ برابر با منفی ۱۰/۹ درصد، در سال ۹۳ برابر با ۵/۹ درصد، در سال ۹۴ برابر با منفی ۱۰/۲ درصد و در ۹ ماه اول سال ۹۵ بدون منفی ۳/۷ درصد بوده است. اهمیت نرخ رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در این است که رشد اقتصادی در ایران

یادداشت امروز

نمای دولت کاسب در مناظره دوم

محمد زعیمرزاده

«هن تا روز چهارشنبه فکر می‌کردم وزیر دیگری این مساله برایش اتفاق افتاده، چهارشنبه مشخص شد وزیر آموزش و پرورش است. یک دختری این وزیر دارد، فوق‌لیسانس داشته، بیکار بوده و کار واردات انجام داده است؛ فقط ۲۰۰ میلیون تومان کل ارزش این لباس‌هایی بوده که وارد کرده است.»

بدون تردید این فراز از سخنان اسحاق جهانگیری در مناظره دوم که در توجیه پیدا شدن محموله پوشاک وارداتی از ویلای لوسان وزیر آموزش و پرورش بیان شده، طلایی‌ترین جمله مناظره و سندی کلیدی در شناخت مناسبات در دولت یازدهم و نوع نگاه دولتمردان به مردم است.

نکته اولی که از جمله جهانگیری برداشت می‌شود این است که از روز یکشنبه که سخنگوی قوه‌قضائیه خبر از پیدا شدن این محموله داده است اصلاً مساله هیچ اهمیتی برای دولت نداشت که مساله را پیگیری کند و ماجرا اینقدر عادی بوده که صبر کرده‌اند تا روز چهارشنبه جلسه هیات دولت تشکیل شود و ابتدا تا قبل از آن هم جهانگیری یا روحانی نیازی به پیگیری ماجرا نمی‌دیدند و البته شاید اگر در موسم انتخابات نبودیم و روز جمعه مناظره‌ای در پیش نبود همان روز چهارشنبه هم پیگیری نمی‌کردند البته این از دولتی که این روزها تقریباً وجود ندارد و رئیس و معاون اول و معاون اجرایی‌اش رسماً وسط انتخاباتند و بقیه اعضا هم به شکلی دیگر کار سیاسی و انتخاباتی می‌کنند و نسبتی با دغدغه مردم ندارند، خیلی امر عجیبی نیست

نکته دوم این است که با شنیدن خبر و آنالیز اجزای آن یعنی کشف محموله پوشاک وارداتی از ایتالیا در ویلای در لوسان ذهن آقای جهانگیری سراغ گزینه‌های متعدد و فراگیری رفته است و دقیقاً نمی‌دانسته کار کدام وزیر است، چون احتمالاً تعداد زیادی از وزرا هستند که در لوسان ویلا دارند و ایضا ممکن است محموله‌ای از پوشاک وارداتی در ویلای آنها پیدا شود و البته برای دولتی که معروف به دولت کاسبان و موصوف به دولت تاجار است خیلی عجیب نیست و این یعنی تلویحاً در دولت افراد زیادی حضور دارند که اصطلاحاً این‌کاره‌اند.

در واقع در دولتی که تعدادی از وزرایش رسماً در بخش خصوصی فعال و عضو هیات مدیره‌های کارخانه‌ها و شرکت‌های متعددی هستند که از قضا در حوزه تخصصی وزارت خود تجارت می‌کنند و این افراد بنا به رابره‌درهای چرخان یا همیشه وزیر هستند یا با رانت اطلاعاتی که در دوره وزارت کسب کرده‌اند در بخش خصوصی فعال و اثرگذار در عرصه سیاست هستند، این هم خیلی عجیب نیست.

اسحاق جهانگیری در حالی روضه سوزناک برای بیکاری دختر وزیر لوسان‌نشین می‌خواند که خود جناب وزیر رئیس هیات مدیره شرکت واردات پوشاک از خارج بوده‌اند و وزیر که در وزارتخانه‌اش اموال چندین میلیون فرهنگی مستضعف در صندوق ذخیره فرهنگیان به تراج رفته است، مساله اصلی‌اش همان تجارت است و در کنارش وزیر هم هست و کار آموزشی هم می‌کند.

و نکته سوم این است که عدم شناخت مردم و دغدغه‌ها و گرفتاری آنها کاملاً در کلام جناب ضربه‌گیر مستتر است؛ اسحاق جهانگیری سعی دارد با تخفیف مساله بگوید اتفاق خاصی نیفتاده و برای آرام کردن افکار عمومی می‌گوید دخترک مظلوم وزیر یک پارت لباس به ارزش ۲۰۰ میلیون از ایتالیا وارد کرده است!

پس زمینه ذهن حضرات احتمالاً این است که در افکار عمومی ۲۰۰ میلیون‌ها که چیزی نیست، بلکه این مبلغ در کاست اجتماعی جناب جهانگیری و صدر حسینی و سایر نجومی‌بگیران و ذخیره‌های انقلاب (!) انصافاً چیزی نیست ولی برای کارگرانی که زندگی‌شان روی هواسست، برای کارگران و کارمندانی که حقوق‌شان یک میلیون است و با خط فقر ۲ میلیون و ۴۰۰ هزار تومانی دست به یقه‌اند، برای یک میلیون و ۶۰۰ هزار نفری که شغل‌شان را در دولت روحانی از دست داده‌اند، برای معلمانی که با دریافت حداقل حقوق، جلوی چشم‌شان ۸ هزار میلیارد از صندوق ذخیره‌شان به تعدادی معدود داده شده...

ادامه در صفحه ۵

در شبکه‌های اجتماعی

پیامک خوانندگان

۱۰۰۰۲۲۳۱

سلام وطن

۶۶۴۱۳۹۴۲

@vatanemrooz

تهدید تولید ملی

0 107354 683291

خرید کالای خارجی!

